

شعر ایرلند؛

نظاره گر خوئی چکیده پر چمنزاران سبز...

از: هاشم حسینی

از کجای شعر
ایرلند آغاز
کنیم؟ در این
گستره رنگ
رنگ پژواکهای
دهان آزادی،
شاید سزاوار باشد
که به شعر
ویلیام^(۱) باتلر
نیتس بسنده شود
که نمونه زنده و
رسایی از
دستاورد های
پر بار شعر ملی
ایرلند است.

ویلیام باتلر
نیتس
(۱۸۶۵-۱۹۳۹)

شاعر مردم

ایرلند، نمایشنامه نویسی و گردآورنده فرهنگ
توده ها، میهن پرست پر شور در راه ناوابستگی و
رهایی میهن، به سال ۱۹۲۳، جایزه ادبی نوبل را از
آن کشورش کرد.

در نه سالگی پدر هنرمندش او را برای تحصیل
با خود به انگلستان برد و در آن جا بود که غم
غربت، رنگ و طعم ایرلند دوست داشتنی را به تمام
یادمانهای نوجوانیش زد. در شعر زیبای «جزیره

انیس فری»^(۲) می بینیم که شاعر از «پیاده روه های
خاکستری» لندن می گذرد و می گریزد تا بی سر و
دستار به خاک زاد و بومیش بازگردد.

تا میانه زندگی نیتس را، بیشتر پندارها و
کردارها را جلایی از عشق به مودگان^(۳) پوشانده
است: زنی قهرمان آزادی که نستوه و زیبا، جان نثار
انقلاب ایرلند می کند. شعر عاشقانه نیتس، ریشه در
بحری بیکرانه دارد. شعری زنده، پرخاشگر،

برانگیزاننده و امیدبخش. چند نمونه زیر، بیانگر
این رویکردها هستند: هرگز مسپار دل را تمام^(۴)،
در سوک عشق^(۵) و در پیرانه سری تو^(۶).

شعر نیتس، زبان و فضای خود ویژه دارد،
سرشار از تصویرهایی مانا و نمونه از تاریخ، هنر و
مردم. باز آفرینی لیدی گریگوری^(۷) در شعر
«قویهای وحشی»^(۸) آواز دهان یگانه ملتی است
که آزادی را فرامی خواند. «لیدی گریگوری» از



دوستان دیرینه شاعر و از بنیان‌گذاران تماشاخانه ایرلند بود.

در شعر «رهبران مردم»^(۹) شاعر، چه شیرین بر شیوه‌های ناشیانه رهبران ملت خرده می‌گیرد. ئیتس که عاشق روستاییان ایرلند و افسانه‌ها و اسطوره‌ها، معجزات و شگفتی‌هایشان بود، پیوسته و پرشکیب به گردآوری و انتشار آنها می‌پرداخت. او بر این باور بود که شعر توانمند و ماندگار، در تجربه و واقعیت اجتماعی است که ریشه می‌دواند و می‌بالد در راستای چنین هدفی بود که به پروانه^(۱۰) (فرم یا شکل) و سبک، اهمیت و اهمیاتی همه‌جانبه می‌داد.

ئیتس، افزون بر سرچشمه‌های زایا و پرانگیزه فرهنگ زادبومی خود با میراث‌های گرافقدر بشری و به ویژه هنر آسیایی هم در ارتباط بود. دیدارهای مستمر او با رابیندرانات تاگور، بیانگر شیفتگی شدید شاعر به دستاوردهای بی‌همتای جان شیفته هنرمند آسیایی بود. یک بار، پس از خواندن ترجمه انگلیسی «گیتانجلی»^(۱۱) - اثر تاگور - فریاد برآورد که: «چقدر این سروده‌ها مرا مجذوب خود ساخته‌اند!»

از آن جا که پدر و برادر او - جک^(۱۲)، نقاشان برجسته‌ای بودند، گرایش به هنر باعث تحصیل او در «مدرسه هنر دولین»^(۱۳) شد. اما دو پدیده، تأثیری ژرف و شگرف در تکوین شخصیت هنری او داشتند یکی دوستی و همکاری پر بار او با لیدی گریگوری، که به پدیدآوری نمایشنامه‌هایی از جمله کنتس کاتلین^(۱۴) (۱۸۹۲) او منجر شد، و دیگری عشق الهام‌بخش مُدگان - زن زیبا و انقلابی که سری پرشور در راه خیزش‌های سازش‌ناپذیر مردمی داشت. شعر زیبای «سرزمین خواهش دل»^(۱۵) یادگاری از این دوره است.

چاپ کلیات اشعار موفقیت‌آمیز او هرکدام گسامی بسود در دورشدن از سبک «پیش رافائلی»^(۱۶) دهه نود سده نوزدهم که شاعر، کاوش‌ها، کنکاش‌ها و دستاوردهای گوناگونی در آن داشت.

شعرهای نخستین ئیتس از صور خیال^(۱۷) گلها و ستاره‌ها مشحون و با همان اوزان سنتی سروده شده‌اند. قلب تپنده آوندهای طبیعت و کلهکشان

شعر ئیتس زبان و فضایی خودویژه دارد، سرشار از تصویرهای مانا و نمونه از تاریخ...

فضاها را آکنده است. باگذشت سالها، مایه آهنگین شعرهایش تجربی‌تر شدند و آغوش جان بر پژواک‌های کشتزار و کارخانه گشودند تا آن جا که جنبه‌های غنایی آن‌ها به الگوهای زبان کوچه نزدیک‌تر گردیدند. شعر پیرانه سر ئیتس به گستره‌های شگفت راه می‌گشاید. شاعر آن چنان به یافته‌های تازه‌تری نائل می‌آید که دریافت بسیاری از پیام‌های پر هزار توی این گنگ خواب دیده دشوار می‌نماید. گو این که هنوز به رغم گذشت سالیان، جوانان ایرلندی آن‌ها را خوش دارند و زمزمه می‌کنند و به همراه پای به شادی می‌کوبند:

برمی‌خیزم سحرگاهان

- خم کرده کمر به کار

می‌شتابم تا گرگرد

دانه دانه احگر و فرزند خوش...^(۱۸)

باز آفرینی زیباییهای انسان ساخته و هنر تمدنها، جایگاه ویژه‌ای در شعر ئیتس دارد، از این رو کمال زیبایی شناختی هنر شاعری ئیتس سرگشته در دستاوردهای پر بار او از فرهنگ جهانی ریشه می‌دواند.

چشم‌اندازی که شاعر فراروی ما می‌گشاید،

زیبایی هر نمایی از هستی، نمادی پر راز است:

زیبایی پاییزی درختان

گذرگاههای خشک جنگل...

درپگاه پاییز

آینه است آب

آسمان آرام را.

برآب رخشنده، میان سنگها

روئیده پنجاونه قوی،

- در آنسوی

لغزان به روی آب

پر راز، زیبا

در میان این همه شتاب...^(۱۹)

در شعر ئیتس، وزن و تصویر، امتزاج جدانشدنی دارند.

او خود، بارها می‌گفت:

«وزن یعنی اطالة لحظة تأمل - دمی که هم خوابیم و هم بیدار»^(۲۰)

در اینجا لازم است به توجه همه‌جانبه شاعر به سرچشمه‌های زوایای هنر شاعریش اشاره شود. فرهنگهای اصیل و باستانی ملت‌ها، هنر توده‌ای (فولکلوریک) به ویژه ایرلندی و حرکت در سمت و سوی سعادت هم‌میهنان، نمونه‌هایی از این نیروها هستند. کتاب او: «قصه‌های عامیانه از کشاورزان ایرلندی»^(۲۱) (۱۸۸۸) حکایت از دلبستگی و صف‌ناپذیر شاعر به رنجبران کشورش دارد.

کنون برمی‌خیزم و می‌روم

می‌روم به انیس فری

تاباسازم کلبه‌ای، کوچک

از خشت و چپر

تُه کورت لویا و کندویی از عسل...^(۲۲)

باگذشت زمان و ازدواج ثمربخش او با جورجی هایدلینز^(۲۳) که پیام‌آور نمادگرایی^(۲۴) جانبخشی برای شاعر بود، ئیتس به صناعت شاعرانه خاص خود روی آورد. در شعرها و نمایشنامه‌های یادگار پس از ازدواج او، تغزل‌گرایی (لیریسیسم)^(۲۵) بی‌همتای برگرفته از گفتگوهای روزانه مردم و به کلی متفاوت با منش ادبی پیشین او پدیدار می‌شود.

شاعر در واپسین سالهای زندگی به عنوان سناتور از ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۸، خدمات گرانبهایی به کسب دستاوردهای قانونی مردم و مشروعیت دولت آزاد ایرلند کرد. و یک سال پس از آن در سال ۱۹۲۳، جایزه ادبی نوبل را از آن ایرلندی‌دریند ساخت. چند نمونه از آثار بی‌شمار و متنوع او:

(۱) کتاب شعر جدید اسکسورد (۱۹۳۶) (۲۶)

(۲) نامه‌ها - در پنج جلد (۱۹۴۰)



1. William Butler Yeats
2. The Lake Isle of Innisfree
3. Maud Gonne
4. Never Give all the Heart
5. The Sorrow of Love
6. When You are Old
7. Lady Gregory
8. The Wild Swans of Coole
9. The Leaders of the Crowd
10. Form
11. Guitangely
12. Jack
13. Dublin School of Art
14. The Countess Cathleen
15. The Land of Heart's Desire
16. Pre - Raphaelite
17. Images
18. آواز مادری پیر
19. قوی های وحشی کول
20. W. B. Yeats, Essays, Oxford Press, New York, PP. 195-196.
21. Fairy and Folk Tales of the Irish Peasantry
22. جزیره انیس فری
23. Georgie Hyde - Lees
24. Symbolism
25. Lyricism
26. The Oxford Book of Modern Verse
27. Autobiographies
28. Mythologies
29. Essays and Introductions
30. Explorations

بی نوشتها:

ایستاد به پا، برکف اتاق
 به اسفا! و اسفاها!
 حالیا مرده ست مرد
 زیرا که من غافل رفتم به خواب
 در صندلی خود چه بی خیال!
 اسبش را از خواب پراند و بی محابا راند
 تا دور دست،
 تاخت زد آن چنان که
 هیچگاه نداننده بود اسب
 و گذشت از کناره صخره سارها و
 بسیار سد...
 همسر مرد بیمار گشود در
 - پدرا
 آمدی دوباره به دیدار!
 فریاد زد او:
 - آیا بیچاره مرد
 مُرده ست؟
 - ساعتی پیش مُرد مُرد...
 کشیش پیر پیتر جیلیگان
 گریست سخت دراندوه مرگ مرد.
 - و آنگاه که رفته بودی
 گرداند روی و مُرد -
 شاد چونان پرنده ای...
 کشیش پیر، پیتر جیلیگان
 با آن کلام زانو زمین زد:
 - ای او که آفریده ای، شب و اختران
 سختی کشیده و خون داده ای
 جانهای شیفته را
 بفرست یکی از
 ملایک مقریت را
 تا یاریم کند در این
 بلایا و رنجها...
 ای غنوده در ارغوان
 رد،
 در کف،
 ستارگان بخت
 ترحم نما بر کمترین ذره
 زمین
 خسته بر
 صندلی حقیر خویش.

- ۳) کلیات اشعار (۱۹۵۰)
- ۴) کلیات نمایشنامه ها (۱۹۵۵)
- ۵) خود زندگینامه نوشتها (۱۹۵۵) (۲۷)
- ۶) گزیده اشعار (۱۹۵۷)
- ۷) اسطوره شناسی ها (۱۹۵۹) (۲۸)
- ۸) جستارها و مقدمه ها (۱۹۶۱) (۲۹)
- ۹) سخنرانیها (۱۹۶۱)
- ۱۰) پیگردها و جستجوها (۱۹۶۲) (۳۰)

نمونه ای از اشعار ویلیام باتلر نیتنس:

منظومه کشیش پیر

بسیار شبان و روزان
 خسته بود کشیش پیر، پیتر جیلیگان
 اما نصف بیشتر مخلوق خدا
 خفته در بستر
 یا در زیر خاک و کلوخ سبز...
 در پسینگاهی از
 پروانه ها...
 فقیری دیگر طلبید از او کمک
 و اندوهی فراگرفت وجودش را تمام...
 - ونه، نه
 با من نیست قرار و شادی و آرامش
 چرا که جان می کنند
 پیوسته
 بینوا مردمان...
 پس بگریست بسیار و دستان بر آسمان گشود:
 - و بیخشا خدایا مرا
 این کلام از تن خاکی است نه از لیان من!
 و زانو زد و تکیه داد در صندلی، دعاگو
 و به خوابی فرورفت ژرف...
 و گذشت از سرکشزاران
 پسینگاهی از پروانگان
 و جلوه نمودند در آسمان
 آهسته، بی شمار ستارگان.
 و برگها در باد تکان خوردند
 و خداوند پوشاند جهان را در شولا سایه ای سیاه
 و به نجوا درآمد با آدمیزادگان آرام و بی صدا...
 تا گاه جیک جیک گنجشکان
 آندم که پروانگان آمدند بار دگر به کار...
 کشیش پیر، پیتر جیلیگان

دنیای کیش

نخستین مجموعه جامع برای معرفی شرکتها،
 مراکز بازرگانی و موسسه های فعال اقتصادی -
 خدماتی و مراکز و مقررات دولتی در کیش
 این مجموعه بی نظیر به زودی در تیراژی وسیع به طور
 رایگان در اختیار شما است

برای کسب اطلاعات بیشتر و مضمّن در این مجموعه
 با تلفن ۸۸۳۳۷۸۱ دفتر نشریه
 و یا تلفن همراه ۰۹۱۲۳۰۵۱ تماس حاصل فرمائید.